

بررسی شهرسازی مشارکتی و موانع و محدودیت های آن

حسین نظام زاده اژیه

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور واحد وزوان

چکیده

شهرسازی مشارکتی به عنوان یک رویکرد نوین در برنامه ریزی و توسعه شهری، به جلب مشارکت فعال ساکنان و ذینفعان محلی در فرآیندهای تصمیم گیری و طراحی فضاهای شهری می پردازد. این مقاله به بررسی نظریات مرتبط با شهرسازی مشارکتی، موانع و محدودیت های آن می پردازد. نظریات دموکراسی مشارکتی و توسعه پایدار به عنوان چارچوب های نظری اصلی، اهمیت مشارکت مردم در بهبود کیفیت زندگی و تحقق اهداف توسعه پایدار را مورد تأکید قرار می دهند. با این حال، چالش هایی نظیر عدم آگاهی و اطلاعات کافی، موانع فرهنگی و اجتماعی، و مقاومت نهادهای دولتی در برابر واگذاری قدرت، می تواند مانع از اجرای مؤثر این رویکرد شود. در این مقاله، همچنین به شناسایی راهکارهای مؤثر برای بهبود فرآیند شهرسازی مشارکتی پرداخته می شود. این راهکارها شامل آموزش و آگاهی سازی، ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت، تقویت روابط میان نهادهای دولتی و مردم، و بهره گیری از فناوری های نوین است. در نهایت، این مقاله به اهمیت شهرسازی مشارکتی در ایجاد شهرهایی پایدار و متناسب با نیازهای ساکنان تأکید می کند و به بررسی چالش ها و فرصت های موجود در این زمینه می پردازد.

واژه های کلیدی: شهر، شهرسازی، شهرسازی مشارکتی، موانع، محدودیت

مقدمه

شهرداری مشارکتی به عنوان یک رویکرد نوین در برنامه‌ریزی و توسعه شهری، به دنبال جلب مشارکت فعال ساکنان و ذینفعان محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و طراحی فضاهای شهری است. این رویکرد به ویژه در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش چالش‌های شهری، از جمله رشد سریع شهرنشینی، آلودگی، ترافیک و کمبود فضاهای عمومی، مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، شهرداری مشارکتی به عنوان یک ابزار مؤثر برای شناسایی نیازها و خواسته‌های جامعه، افزایش شفافیت و پاسخگویی، و بهبود کیفیت زندگی ساکنان مطرح می‌شود. شهرداری مشارکتی بر این اصل استوار است که ساکنان به عنوان ذینفعان اصلی فضاهای شهری، دارای دانش و تجربیات ارزشمندی هستند که می‌تواند به بهبود فرآیندهای برنامه‌ریزی و طراحی کمک کند. این رویکرد به دنبال ایجاد فضایی برای تبادل نظر و همکاری میان ساکنان، برنامه‌ریزان و نهادهای دولتی است تا به این ترتیب، تصمیمات بهتری در زمینه توسعه شهری اتخاذ شود. با این حال، اجرای موفق شهرداری مشارکتی با چالش‌ها و موانع متعددی همراه است که می‌تواند بر کیفیت و اثربخشی این فرآیند تأثیر بگذارد. از جمله نظریات مرتبط با شهرداری مشارکتی، می‌توان به نظریه‌های دموکراسی مشارکتی، نظریه‌های توسعه پایدار و نظریه‌های اجتماعی اشاره کرد. این نظریات به بررسی اهمیت مشارکت مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی شهری می‌پردازند. به عنوان مثال، نظریه دموکراسی مشارکتی تأکید می‌کند که مشارکت فعال مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به تقویت حس تعلق و هویت اجتماعی در میان ساکنان منجر شود و در نهایت به بهبود کیفیت خدمات عمومی و کاهش نارضایتی‌های اجتماعی کمک کند. با این حال، موانع و محدودیت‌های متعددی نیز در مسیر اجرای شهرداری مشارکتی وجود دارد. از جمله این موانع می‌توان به عدم آگاهی و اطلاعات کافی مردم، موانع فرهنگی و اجتماعی، و همچنین فقدان سازوکارهای مؤثر برای جلب مشارکت اشاره کرد. به علاوه، در بسیاری از موارد، نهادهای دولتی و برنامه‌ریزان ممکن است تمایلی به واگذاری قدرت و تصمیم‌گیری به ساکنان نداشته باشند، که این امر می‌تواند به کاهش اثربخشی فرآیندهای مشارکتی منجر شود. در این مقاله، به بررسی نظریات مرتبط با شهرداری مشارکتی، موانع و محدودیت‌های آن پرداخته خواهد شد.

شهرداری مشارکتی و نقش و جایگاه مردم

شهرنشینی هنر زیستن انسان‌ها در کنار هم است و شهر نیز محل تبلور هوشمندانه این هنر و به دنبال آن حضور مردم در چنین عرصه‌ای به تعالی آنها و توسعه شهری و بهبود محیط زیست منجر خواهد شد. لازمه رسیدن به چنین هدفی به کارگیری برنامه‌ریزی به عنوان یک فرایند تفکر است که هدف اساسی آن عموماً بهبود رفاه جامعه می‌باشد به تبعیت از آن حضور برنامه‌ریزی شهری به عنوان فرایند تعیین اقدامات مناسب برای آینده شهر و شهروندان که به هدایت مردم بر اساس خواسته‌ها و توانایی‌ها می‌پردازد، ضروری است. حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی و همسایگی آنها با مسئولین و متخصصان و دستیابی هر چه سریع‌تر به خواسته‌ها و نیازهایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژه‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق فرایند شهرداری مشارکتی میسر می‌شود.

لازمه اجرای درست و موفقیت آمیز فرایند شهرداری مشارکتی در درجه اول رعایت اصول پنجگانه زیر است:

- ۱- توسعه انسانی پایدار مشارکتی
- ۲- توسعه مدیریت شهری و مشارکت شهروندان
- ۳- فراگیر شدن برنامه‌ریزی شهری

۴- واقع گرایی در برنامه ریزی شهری

۵- توجه به پویایی شهر و کمک به ایجاد کلیت یکپارچه انسجام یافته

در فرآیند شهرسازی مشارکتی ابتدا اهداف تعریف و تعیین می‌شود. سرچشمه اهداف، نیازها، خواسته‌ها و مسایل شهروندان و جامعه شهری است. سپس مراحل و اجزای فرآیند از اهداف تعیین شده تاثیر می‌پذیرد. در این فرآیند حضور مردم باید به عنوان یک ضرورت تلقی شود.

مشارکت مردم در فرآیند شهرسازی مشارکتی باید طی سه مرحله صورت پذیرد:

۱- سازماندهی نهادهای مردمی و انتخابات شوراها

۲- آموزش و تجهیز

۳- مشارکت و حضور مردم و نمایندگان آنها

فرآیند شهرسازی مشارکتی نیز دارای چهار مرحله کلی و اصلی است:

۱- تعیین مقاصد

۲- ارزیابی منابع

۳- تدوین طرح‌ها و برنامه‌ها و اجرا

۴- بازنگری و ارزیابی

فرآیند شهرسازی مشارکتی بر هدایت مردم بر اساس خواسته‌ها و توانایی‌ها ایجاد زمینه‌های حضور آنها در مراحل مختلف از بیان نظرات تا تصمیم‌گیری و داوری در کیفیت طرح‌ها و اجرا و ارزیابی متکی است.

فرآیند شهرسازی مشارکتی علاوه بر مراحل اصلی دارای اجزای گوناگونی است که از ارتباط داخلی مستقیم و غیر مستقیم با یکدیگر برخوردار هستند. در این فریند چه در مراحل اصلی و چه در مراحل فرعی جایگاه و نقش مردم و نمایندگان آنها نشان داده شده و بررسی شده است. با رعایت مرحله به مرحله فرآیند شهرسازی مشارکتی در کنار انتخابات شوراهای شهر و حضور موثر نمایندگان مردم می‌توان به سمت ایجاد محیط‌های مطلوب شهری و تحقق بخشیدن به توسعه شهری پایدار و ایجاد راحتی و آسایش برای شهروندان به عنوان بهره‌وران اصلی از مواهب توسعه شهری حرکت کرد و به عبارت کلی تر شهرسازی مشارکتی شهرسازی با مردم و برای مردم است.

نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است. ملاک انتخاب این نظریه‌ها میزان نوآوری و خلاقیت استحکام نظری و تاثیر گذاری بر نظریه‌های بعدی می‌باشد.

- نظریه جیمز میجلی

میجلی بر مبنای پاسخ دولت‌ها به مشارکت آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

(۱) شیوه ضد مشارکتی

طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمیدهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۶۴)

(۲) شیوه ی مشارکت هدایت شده

در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه های پنهانی حمایت می کند. مشارکت اجتماعات محلی در این شیوه به منظور کنترل سیاسی اجتماعی با علم به اینکه مشارکت اجرای طرح را تسهیل می کند به کار می رود.

(۳) شیوه مشارکت فزاینده

در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت به شکلی دوگانه عمل می کند به این ترتیب که در موضع گیری های رسمی از آن حمایت می کند اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام موثری انجام نمی دهد.

(۴) شیوه مشارکت واقعی

در این شیوه دولت کاملاً از مشارکت اجتماعی حمایت می کند و از طریق ایجاد سازوکارهایی برای ورود موثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه ها تلاش می کند در این شیوه مشارکتی دولت علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی متعهد به فعالیت های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی منطقه ای و محلی می باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۶۴)

-تئوری مشارکت ارنشتاین

ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و ثابت کرده که مدل سودمندی در گفتگوهای مداوم درباره درگیری جامعه در فرآیند برنامه ریزی است که برای توضیح آن از استعاره نردبان مشارکت استفاده کرد مدل ارنشتاین ملاحظه قدرت اختصاص یافته به مردم را نشان میدهد و ابزار کارآمدی در آزمایش ماهیت متدهای مشارکتی گوناگون برنامه ریزی است (رهنما، ۱۳۹۸: ۱۷۲).

- نظریه اسکات دیویدسون

اسکات دیویدسون در سال ۱۹۹۸ گردونه مشارکت را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه سطوح مختلفی از مشارکت را بدون اینکه ترجیحی برای هیچ یک قائل شود، ارائه می کند. در این مدل تصمیم گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت میگیرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۷). دیویدسون سطوح چهارگانه ای برای مشارکت در نظر دارد که عبارتند از:

(۱) مشارکت

(۲) توانمندسازی

(۳) اطلاع رسانی

(۴) مشاوره

دریسل در اثر خود با عنوان شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان راهنمایی برای مشارکت که توسط یونسکو به چاپ رسیده مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می کند. وی معتقد است مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

(الف) توسعه در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد.

(ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند.

ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند.

- نظریه کنش موجه

ایزن و فیش باین نظریه کنش موجه را در ارتباط با مشارکت شهروندان طراحی کردند. اصطلاح کنش موجه به این معنی است که اکثر رفتارها به این دلیل انجام می‌شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر دست به انتخاب منطقی می‌زنند. از این نظریه می‌توان به روشنی نتیجه گرفت که چون مشارکت یک کنش اجتماعی است بنابراین می‌توان در توضیح و تبیین آن از نظریه‌های مربوط به کنش اجتماعی بهره گرفت با به کارگیری این نظریه در تبیین مشارکت متغیرهای اصلی موثر بر میزان مشارکت مشخص می‌گردند. (علوی تبار، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۳)

معیارهای اصلی شهرسازی مشارکتی

- ۱- نیت اصلی و واقعی برنامه ریزان مشارکت واقعی وقتی میسر است که برنامه ریزان و مدیران اعتقاد درونی و جدی به مشارکت شهروندان داشته باشند.
- ۲- دامنه مشارکت هرچه بیشتر اختیار تصمیم‌گیری به شهروندان واگذار شود به مشارکت واقعی نزدیک تر خواهیم شد.
- ۳- نگاه به مشارکت اگر مشارکت خود فی نفسه هدف در نظر گرفته شود به مشارکت واقعی نزدیک تر می‌شویم.
- ۴- نظر خواهی از شهروندان طرح‌های مشارکتی از نظر مشاوره با شهروندان نیز با هم متفاوت اند.
- ۵- حق اعتراض به طرح داشتن حق اعتراض به طرح به همراه سازوکار اعمال این اعتراضات در طرح به گونه‌ای که منافع عموم تامین شود از ابزارهای مناسب برای سنجش میزان واقعی مشارکت مردم است.
- ۶- نظارت شهروندان هر چه مردم نظارت بیشتر و جامع‌تری از جانب مردم وجود داشته باشد به مشارکت واقعی نزدیک تر می‌شویم.
- جریان اطلاعات جهت جریان اطلاعات یک سویه با دوسویه بودن آن و شدت این جریان عامل مهمی در تشخیص میزان و نوع مشارکت شمرده می‌شود.
- ۷- پشتوانه فکری و فلسفی مشارکت امری خلق الساعه نیست هر یک از سطوح مشارکت مبتنی بر سنت‌های ریشه دار فلسفی و سیاسی است. از این نظر نیز می‌توان دسته‌های گوناگون مشارکت را از هم متمایز کرد (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۷)

اهمیت شهرسازی مشارکتی

۱. **تقویت دموکراسی و شفافیت:** شهرسازی مشارکتی به تقویت دموکراسی محلی کمک می‌کند و به ساکنان این امکان را می‌دهد که در فرآیندهای تصمیم‌گیری دخالت کنند. این امر به افزایش شفافیت و پاسخگویی در نهادهای دولتی منجر می‌شود و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند.
۲. **شناسایی نیازها و اولویت‌ها:** ساکنان به عنوان ذینفعان اصلی فضاهای شهری، دارای دانش و تجربیات ارزشمندی هستند که می‌تواند به شناسایی نیازها و اولویت‌های واقعی جامعه کمک کند. این اطلاعات به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا سیاست‌ها و برنامه‌های بهتری تدوین کنند.

۳. **بهبود کیفیت زندگی:** مشارکت مردم در فرآیندهای برنامه‌ریزی می‌تواند به طراحی فضاهایی منجر شود که به واقع نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان را برآورده کند. این امر به افزایش کیفیت زندگی و رضایت ساکنان از محیط زندگی‌شان کمک می‌کند.

۴. **توسعه پایدار:** شهرسازی مشارکتی به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک می‌کند. با توجه به چالش‌های محیطی و اجتماعی که شهرها با آن‌ها مواجه هستند، نیاز به رویکردهای پایدار در برنامه‌ریزی شهری بیش از پیش احساس می‌شود. مشارکت مردم می‌تواند به شناسایی راهکارهای نوآورانه و پایدار برای حل مشکلات شهری کمک کند.

چالش‌های شهرسازی مشارکتی

۱. **عدم آگاهی و اطلاعات کافی:** یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در شهرسازی مشارکتی، عدم آگاهی و اطلاعات کافی مردم درباره فرآیندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است. بسیاری از ساکنان ممکن است از حقوق و مسئولیت‌های خود در این زمینه آگاه نباشند و این امر می‌تواند به کاهش مشارکت آن‌ها منجر شود.

۲. **موانع فرهنگی و اجتماعی:** در برخی جوامع، موانع فرهنگی و اجتماعی می‌تواند مانع از مشارکت مؤثر مردم شود. به عنوان مثال، در جوامع با ساختارهای اجتماعی سنتی، ممکن است افراد تمایلی به ابراز نظرات خود نداشته باشند.

۳. **فقدان سازوکارهای مؤثر:** در بسیاری از موارد، نهادهای دولتی و برنامه‌ریزان ممکن است سازوکارهای مؤثری برای جلب مشارکت مردم نداشته باشند. این امر می‌تواند به کاهش اثربخشی فرآیندهای مشارکتی منجر شود.

۴. **مقاومت نهادهای دولتی:** در برخی موارد، نهادهای دولتی ممکن است تمایلی به واگذاری قدرت و تصمیم‌گیری به ساکنان نداشته باشند. این امر می‌تواند به کاهش اعتماد مردم به فرآیندهای مشارکتی و در نتیجه کاهش مشارکت آن‌ها منجر شود.

راهکارهای مؤثر برای بهبود فرآیند شهرسازی مشارکتی

۱. **آموزش و آگاهی‌سازی:** یکی از مهم‌ترین راهکارها برای افزایش مشارکت مردم، ارائه آموزش و آگاهی‌سازی در زمینه حقوق و مسئولیت‌های آن‌ها در فرآیندهای برنامه‌ریزی است. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و جلسات مشاوره‌ای می‌تواند به افزایش آگاهی مردم و تشویق آن‌ها به مشارکت کمک کند.

۲. **ایجاد بسترهای مناسب:** برنامه‌ریزان باید به دنبال ایجاد بسترهای مناسب برای جلب مشارکت مردم باشند. این بسترها می‌تواند شامل برگزاری جلسات مشاوره‌ای، نظرسنجی‌ها و کارگاه‌های مشارکتی باشد که به ساکنان این امکان را می‌دهد تا نظرات و پیشنهادات خود را بیان کنند.

۳. **تقویت روابط میان نهادهای دولتی و مردم:** ایجاد روابط نزدیک و مؤثر میان نهادهای دولتی و ساکنان می‌تواند به افزایش اعتماد و مشارکت مردم کمک کند. نهادهای دولتی باید به نظرات و پیشنهادات مردم توجه کنند و آن‌ها را در فرآیندهای تصمیم‌گیری لحاظ کنند.

۴. **استفاده از فناوری‌های نوین:** بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مانند رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین، می‌تواند به افزایش مشارکت مردم در فرآیندهای برنامه‌ریزی کمک کند. این ابزارها می‌توانند به ساکنان این امکان را بدهند که به راحتی نظرات و پیشنهادات خود را بیان کنند.

۵. تشویق به همکاری‌های محلی: ایجاد شبکه‌های محلی و تشویق به همکاری میان ساکنان می‌تواند به افزایش مشارکت و تقویت حس تعلق اجتماعی کمک کند. این همکاری‌ها می‌تواند به شکل گروه‌های محلی، انجمن‌ها و سازمان‌های غیر دولتی باشد که به دنبال حل مشکلات محلی هستند.

شهرسازی مشارکتی به عنوان یک رویکرد کلیدی در توسعه پایدار، اهمیت ویژه‌ای در بهبود کیفیت زندگی ساکنان و تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی دارد. با این حال، چالش‌ها و موانع متعددی در مسیر اجرای این رویکرد وجود دارد که نیازمند شناسایی و ارائه راهکارهای مؤثر است. با افزایش آگاهی و اطلاعات مردم، ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت، تقویت روابط میان نهادهای دولتی و مردم، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، می‌توان به بهبود فرآیند شهرسازی مشارکتی و در نهایت به ایجاد شهرهایی پایدار و متناسب با نیازهای ساکنان دست یافت.

موانع و محدودیت‌ها در شهرسازی مشارکتی

به رغم اهمیت و ضرورت مشارکت مردمی و تأکید بر نقش قابل توجه آن در کلیه کشورها و مجامع بین‌المللی به دلیل پیچیدگی آماده نبودن ساخت نهادی جامعه نهادینه نشدن همکاری و خودیاری نظام‌های سنتی و نظایر آن مشارکت با موانع و مشکلات چندی مواجه است که عملاً مانع تحقق آن یا موفقیت پروژه‌هایی می‌شود که از طریق مشارکت به اجرا در می‌آیند برخی از موانع عبارتند از:

۱- فقدان آموزش شهروندی

۲- ترکیب ناهمگون فرهنگی و جمعیتی شهرها

۳- عدم ارتباط مدیریت شهری با نسل

۴- بی‌ثباتی حرفه‌ای و مکانی و اجتماعی

۵- عدم شکل‌گیری یا فعالیت موثر نهادهای مدنی (پیر بابایی و شهنقی، ۱۳۸۵: ۸).

در این زمینه مشکل اینجاست که نهادهای مدنی و تشکلهای مردمی ایجاد نشده‌اند تا از این طریق نظرات مردم را به نهادهای اجتماعی فوق‌منتقل کنند نهادهای مدنی واسطه میان مردم و نهادهای اجتماعی هستند مجامع صنفی اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی انجمن‌های دفاع از حقوق کودکان زنان و محیط زیست از جمله همین نهادها هستند تحولات سریع شهرنشینی و آشفتنی‌های اجتماعی ناشی از آن مانع از شکل‌گیری گسترده نهادهای مدنی شده است (خادم‌الحسینی و عارفی‌پور، ۱۳۹۱).

منابع و مآخذ

۱. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا، ۱۳۹۳، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، انتشارات نی، تهران.
۲. پیر بابایی، محمد تقی؛ شهنقی، امیر واعظ، ۱۳۸۵، مبانی و چشم انداز شهرسازی مشارکتی در بهسازی و ساماندهی معضلات شهری، دانشگاه هنر تبریز.
۳. حبیبی، محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۵، شهرسازی مشارکتی تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی، فصلنامه صفا شماره ۲۳، صص ۵۰۷۰.
۴. خادم الحسینی، احمد؛ عارفی پور، صفیه، ۱۳۹۱، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری چشم انداز جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۱۹.
۵. رهنما، مجید؛ زاکس، ولفگانگ، ۱۳۹۷، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
۶. رهنما، محمد تقی، ۱۳۹۸، برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها اصول، مبانی تئوری ها تجربیات و تکنیک ها، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۷. شریفیان ثانی، مریم، ۱۳۸۰، مشارکت شهروندی حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸.
۸. علوی تبار، علیرضا، ۱۳۹۲، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی)، انتشارات سازمان شهرداری ها، جلد دوم، تهران.